



پروفیسر ڈاکٹر روبرٹو اگو
توصیف اومبرٹو اگو

● توصیف اومبرٹو اگو / ڈاکٹر روبرٹو توسکانو / آنتونیا شرکاء

اگر کسی بگوید که تصویر روشنفکر دیگر دوره‌اش به سر آمده و جای آن را چهره‌ی دانشگاهیان وزین و شومن‌های سطحی گرفته است، وجود امیر تو اگو برای انکار این ادعا کفایت می‌کند.

توصیف اگو امری است محال، نمی‌توان او را تنها به یک حوزه‌ی اندیشه محدود کرد؛ و دقیقاً به همین دلیل او روشنفکری است «تمام عیار» یک روشنفکر U۲ به معنای واقعی کلمه، چنانکه بخواهیم تعبیری به زبان آلمانی به کار ببریم که نزد او عزیز است.

امیر تو اگو هم چون روباهی که ایزایا برلین از آن می‌گوید، یک نفس می‌دود، بی‌آنکه دم به تله بدهد. از رمان به مقاله، از مضامین روز به مباحث دقیق‌تر فقه اللغه.

برایمان از چگونه پایان نامه نوشتن می‌گوید، ما را به صومعه‌ی قرون وسطایی با همه‌ی اسرارش می‌برد و چنان پیچیده‌ترین رموز را برایمان می‌گشاید که در نظرمان از پُر فروش‌ترین کتاب‌های معاصر نیز جالب‌تر جلوه می‌کند. در بین گونه‌های ادبی حرکت افقی می‌کند و در میان دوره‌های تاریخی حرکت عمودی.

در عین جدی بودن سبکی و طنازی مقاومت ناپذیری از خود بروز می‌دهد. دغدغه‌ی اخلاق را دارد اما هرگز زیبایی‌شناسی را فدای آن نمی‌کند و برعکس. یک ایتالیایی به تمام معناست. اما جهانی بودن را فراموش نمی‌کند.



● دکتر روبرتو نوسکانو

بنا به دلایل فوق بر این باورم که باید اقدام مجله‌ی بخارا را در اختصاص شماره‌ی ویژه‌ای به امبرتو اکو به فال نیک گرفت. خواننده‌ی ایرانی، ضمن مطالعه‌ی این شماره منوی متنوعی در اختیار دارد که می‌تواند روشنفکرانه از آن لذت ببرد، فضاهای بیکران آن را در نوردد و به سیر و سیاحت در عوالم خوش آب و رنگ آن پردازد.

او از خواننده می‌خواهد که اندیشه کند، از تجربیات محدود فردی و از حوزه‌ی فرهنگ ویژه‌ی خود پا فراتر بگذارد و از خود بپرسد و در همه چیز شک روا دارد.

یقین دارم که خواننده در پایان به خاطر هدیه‌ی بی‌همتایش، هدیه‌ی بی‌مانند دیگری روشنفکران با خلاقیت، تخیل و آزادی همه روزه به همه‌ی ما ارزانی می‌دارد، امبرتو اکو را می‌ستاید.

Se qualcuno dovesse sostenere che ormai la figura dell' intellettuale e' superata, sostituita dai pesanti accademici e dai superficiali *showmen*, l' esistenza di Umberto Eco sarebbe sufficiente a smentirlo.

E' impossibile definire Eco, rinchiuderlo in una sola categoria del pensiero: proprio per questo e' un intellettuale *par excellence*, un *Ur-intellettuale*, per usare un riferimento germanico a lui caro.

Come la Volpe di cui parla Isaiah Berlin, Eco corre, instancabile e inafferrabile, dal romanzo al saggio, dall' intervento su temi di attualita' alla filologia piu' attenta.

Ci dice come si scrive una tesi di laurea, poi ci accompagna in un monastero medievale e nei suoi misteri, decifrando codici molto piu' sofisticati e interessanti di quelli di recenti *bestsellers*. Spazia orizzontalmente, fra generi, e verticalmente, fra epoche storiche.

E' terribilmente serio, ma nello stesso tempo irresistibilmente leggero e ironico. E' sensibile all'etica, ma mai le sacrifica l' estetica. E viceversa.

E' profondamente italiano, ma anche cosmopolita, universale.

Ecco perche' ritengo che l' iniziativa della rivista *Bokhara* di dedicare un numero a Umberto Eco vada salutata con grande apprezzamento, grande soddisfazione. Percorrendo queste pagine, il lettore iraniano potra' deliziarsi con i vari piatti di un prelibato menu intellettuale, potra' percorrere vasti spazi e contemplare i piu' variegati colori.

Verra' invitato a pensare, a uscire dalla propria limitata esperienza individuale, dalla propria cultura specifica, per andare oltre, chiedersi, dubitare.

E alla fine, sono certo, ringrazierà Umberto Eco per il suo incomparabile regalo. Il regalo che gli intellettuali - con la loro creativita', la loro immaginazione, la loro liberta' - fanno quotidianamente a tutti noi.

Dr. Roberto Toscano

